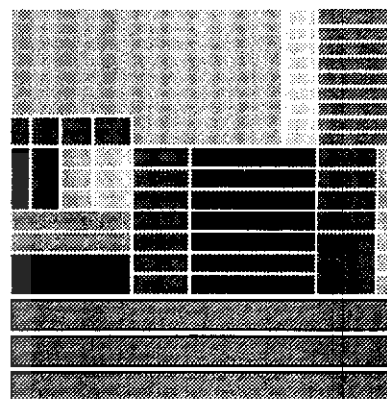


# مقالات اقتصادی



## واگذاری برنامه‌های عمرانی به بخش خصوصی

عباس زارع - عضو هیات نمایندگان اتاق تبریز

شهرت‌شماره ۱۰۰ سال  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله علمی  
پژوهشگاه علوم انسانی

- مسأله اصلی اجرای برنامه‌های عمرانی است و بخش خصوصی بهتر می‌تواند این وظیفه را انجام دهد.
- بار دولت را از اینکه هست سنگین‌تر نکنیم.
- سوبسیدها را القو کنید زیرا بیش از آنکه برای مردم فقیر مفید باشد، بضرر آنهاست؟
- چرا باید هزینه بلیط هواپیما و لاستیک اتومبیل اغنیا را فقرا بپردازند؟

### مقدمه و توضیح:

نظر بنده، توجه به آن نکات و تدارک آن مقدمات، برای نیل با اهداف برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی، از اهم مسایل توسعه است. خوشبختانه امروزه راه‌ها و روش‌ها روشن شده و موانع توسعه و پیشرفت شناخته شده‌اند. بنا بر این، ضرورت دارد موانع اصلی پیشرفت برطرف گردد تا از اتلاف وقت و سرمایه جلوگیری شده و از عوامل محدود

نظراتی که در این مقاله آورده شده مربوط به نویسنده است و الزاماً نظر اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تلقی نمی‌شود.

### بسیتر توسعه

برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی استان، نیازمند فراهم شدن مقدمات و در نظر گرفتن نکاتی است که به

آنچه که در پی می‌آید گزارشی است که آقای عباس زارع عضو هیئت نمایندگان اتاق تبریز به کمیته تدوین و تنظیم برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی استان آذربایجان شرقی تقدیم داشته است که به دلیل اهمیت آن عیناً چاپ می‌شود.

تولید استفاده بهینه شود. همه ملل در آرزوی توسعه اقتصادی و بهبود اجتماعی اند. آنان که در این راه موفق شده اند، راه و روش های صحیح شناخته شده را انتخاب کرده اند. کشورهای عقب مانده، در گرداب اشتباهات و خطاها و مفاسد اقتصادی دست و پا میزنند. در این زمینه ها و دریاب توسعه اقتصادی - اجتماعی، صدها و هزارها مقاله و کتاب و نظریه ارائه شده است و روانیست، اکنون، پس از روشن شدن ابعاد قضیه، پشت به واقعیت ها نمود و اسیر تفکرات نادرست و ویرانگر شد. در این مقوله به سه مطلب اشاره می شود:

### ۱- سرمایه گذاری

امروزه جای شک و تردید باقی نمانده است که برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی، صرفاً از طریق سرمایه گذاری میسر است، بدون سرمایه گذاری، یعنی بدون به کارگیری مهمترین عامل تولید، کاری انجام نمی گیرد و هدفی حاصل نمی شود. و این امر در کلیه برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی، جاری و ساری است.

- مسأله مهم در مورد توسعه چیست؟ مسأله مهم، نیل با اهداف توسعه و بدست آوردن امکانات، تجهیزات و نیل به توانائی هایی است که برنامه ریزان در صدد بدست آوردن آنها هستند. اهداف توسعه بر اساس امکانات بالفعل و بالقوه جامعه تهیه و تنظیم می شود. این امکانات کلاً در بد اختیار و توانائی های ملت و مملکت است که قسمتی از آن در مالکیت همگانی، با ناما پندگی دولت و قسمتی دیگر در تملک مردم و در اختیار افراد جامعه است.

- مسأله این نیست که برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی از قبیل: راه، مدرسه، درمانگاه، کارخانه، تولید، خدمت، برق، فرودگاه، ترن، بوسدها موضوع دیگری بدست چه کسی به اجرا در آید. بلکه مسأله این است که این برنامه ها، به مرحله عمل و اجرا در آید. خواه بدست مردم و خواه بدست دولت و خواه به هر طریق صالح دیگر. مشروط بر اینکه عوامل محدود تولید هدیر تروود، منابع محدود ثروت پایمال نشود و پهای منصفانه و منطقی به عوامل تولید از قبیل: کار، مدیریت، سرمایه، زمین و طبیعت داده شود و منابع مالی عمومی از تعدی و تجاوز و فساد در امان باشد.

### ۲- دولت: مسئولیت و محدودیت

دولت یک خانواده بزرگ است. خانواده ای که افراد یک ملت اعضای آن خانواده اند. خانواده ای که احاد ملت، سرپرست و وریش سفید آن خانواده را، خود انتخاب کرده اند تا در مسایل کلیدی و اساسی، بانظر سرپرست خانواده عمل کنند. انجام و اجرای کلیه امور این خانواده بزرگ،

توسط افراد و اعضای آن خانواده صورت می گیرد. سرپرست خانواده لزوماً صرفاً، انجام کارهایی را بعهده میگیرد که از دست افراد خانواده بر نمی آید یا اعضای خانواده علاقه ای به انجام آن کارها از خود نشان نمی دهند در این جا هم قضیه همین است. دولت، لزوماً، بیایستی انجام کارهایی را بعهده گیرد که ملت توان اجرا و یا علاقه ای به اجرای مستقیم آنها ندارد. بنابراین، ضرورت دارد از کمیت بکاهد و به کیفیت اضافه کند. دولت، بیایستی، راساً، انجام و اجرای کارهایی را که در توان و علاقه مردم است، بعهده می گیرد؟ دولت چرا واحدهای تولیدی و خدماتی مختلف را راه می اندازد و اداره آنها را بعهده میگیرد؟ سنگینی بار دولت چه مزایائی برای ملت و مملکت دارد؟ اصل قضیه اینست، که، کارهای لازم و ضروری برای تأمین سعادت امروز و فردای احاد ملت تدارک شود و اجرا گردد. و انجام کار، ولو کار بزرگ، بدست خود مردم، با در زمان کوتاهتر و با هزینه کمتر، صورت میگیرد. و این به نفع ملت و دولت است. زیرا، منابع تولید بهتر بکار گرفته می شود و حاصل تلاشها بهتر ثمر میدهد.

- اگر دولت می خواهد حجم ذخیره سازی مایحتاج عمومی را افزایش دهد، بهتر است، مردم را بسوی این قبیل فعالیت های اقتصادی سوق دهد و مردم با استفاده از منابع مالی خود و اعتبارات بانکی، این برنامه های توسعه اقتصادی را انجام دهند. دولت از حیث کمک به اجرای این قبیل برنامه ها می تواند، در صورت کمبود تقاضا، طی یکی - دو سال اولیه، درصدی از این تاسیسات را اجاره نماید، تا بتدریج در جامعه ایجاد تقاضا شود و واحدهای تولیدی و خدماتی، مورد استفاده عامه قرار گیرد و در دسرهای بعدی این قبیل تاسیسات، بدست خود مردم بر طرف گردد و کارهای معمول و فعالیت های روزمره اقتصادی، توان دولت را تحلیل نبرد. همین استدلال و همین واقعیت درباره اکثریت قریب به اتفاق طرح های عمرانی و برنامه های اقتصادی - اجتماعی دولت، می تواند عمل گردد و دولت را از مزاحمت های بزرگ و کوچک احداث و اداره واحدهای تولیدی و خدماتی، برهاوند. بنابراین، سزاوار است، اجرا و احداث برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی برنامه پنجساله دوم، از طریق سرمایه گذاریهای مستقیم مردم عمل و اجرا گردد. نه درست است و نه دولت نیازی دارد که احداث کارخانجات تولیدی و واحدهای خدماتی را خود تقبل نماید و اداره روزمره آنها را بدست کم توان خود بگیرد. دولت بیایستی خود را از کلیه امور اجرایی اقتصادی برهاوند و خدمات اجتماعی مورد نیاز را از مردم خریداری کند. دولت موظف به استخدام مردم نیست که با این عمل فقط

حجیم تر و کم تحرک تر می شود، بلکه موظف است با تأمین آزادی و امنیت اقتصادی، جامعه را برای خودکفایی و خودگردانی آماده کند و توقع استخدام در سازمانهای دولتی و نیمه دولتی را، با اشتغال زاینده و بالنده و فعالیت های مردمی و تولید گروهی و ارائه خدمات خصوصی بدل کند.

بنابه نقل قول ۸ آبان ۷۴ روزنامه همشهری از معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی، حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد اقتصاد جامعه ایران در مالکیت دولت است! پس از فروپاشی ابر قدرت اقتصاد دولتی و بپر ملاشدن مفاسد اقتصادی متمرکز کمونیستی، در هیچیک از کشورهای کمونیستی اروپای شرقی و جمهوریهای شوروی سابق، هیچ اقتصادی تا حد اقتصاد ایران، در مالکیت دولت باقی نمانده است و همه آن کشورها ظرف ۴-۵ سال گذشته قسمت اعظم فعالیت های اقتصادی را بمردم وا گذاشتند و از مفاسد دولت حجیم و اقتصاد توتالیتر دولتی رهائی یافتند. بولی ماهوز اندر خم یک کوچه ایم در حالیکه کشور ما هرگز یک کشور کمونیستی نبوده و هرگز صددرد اقتصاد کشور در تملک دولت نبوده است. پس اگر دیگران توانستند اقتصاد صددرد دولتی را مردمی کنند آیا ما نمی توانیم اقتصاد ۷۰-۸۰ درصد دولتی را به اقتصاد مردمی تبدیل کنیم و هنوز هم معاون اقتصادی وزیر ندا می دهد که طی این طریق هنوز به مصلحت نیست؟

### ۳- سوسپسید یا یارانه

تردید نیست که سوسپسید از مفاسد اقتصادی - اجتماعی جوامع بشری و حرکت ضد توسعه اقتصادی است. هیچ توجیهی برای سوسپسید مسافرت هوایی، که عموماً ثروتمندان و صاحبان کسب و کار از آن استفاده میکنند وجود ندارد. زیرا با این روش، خطوط هوایی بتدریج و شاید هم بسرعت مستهلک شده و از بین میرود و حق و حقوق یک ملت شصت میلیونی، فدای یک اقلیت مرفه ۳۰۲ درصدی می شود که هر کدام سالی دو، سه بار سوار هواپیما می شوند.

هم چنین است لاستیک اتومبیل و یا هر سوسپسید عمومی دیگر. کسی که پیکان ۳ میلیون تومانی یا پژوی ۸ میلیون تومانی یا وانت چهار میلیون تومانی یا پترویل هفت میلیون تومانی سوار می شود، آیا نمی تواند لاستیک پنجاه هزار تومانی بخرد؟ و آیا دولت بیایستی خود را موظف کند به دارندگان اتومبیل های شخصی لاستیک مجانی یا در حکم مجانی، تحویل دهد؟ دلیل این کار و قبول این روش چیست؟ یک تفکر نادرست و مضر در جامعه جاری می شود و آن وقت برای درست اجرا شدن، همان کار نادرست، چندین و چند مرکز اجرایی و کنترلی بوجود

انتظار داشت که به اقصاء نقاط کشور رسیدگی کند و هرگونه مسئولیت کوچک و بزرگ مناطق را جوابگو باشد؟ این تفکر و این توقع نه درست است و نه عملی است.

مناطق بزرگ و کوچک مملکت، بایستی، مسئولیت بهبود اقتصادی - اجتماعی خود را بپذیرند و این یک کار فرهنگی و یک نگرش درونی است که ضرورت دارد در این زمینه‌ها بحث و گفتگو شود تا قاضیه برای همگان روشن گردد.

مادام که دولت مرکزی اهمیت مسئولیت و اختیارات مقامات محلی را، در عمل و نه در سخن، قبول نداشته باشد و مقامات محلی را، در عمل نه در سخن، کم خرد، هم وطن درجه ۲ انسانهای نه چندان قابل اعتماد، بحساب آورد کسی دلسوزی نخواهد کرد و مقامات محلی جرأت و شهامت خدمت پیدا نخواهد کرد. مادر این کشور متولد شدیم، درس خواندیم، کار کردیم، تجربه آموختیم، جامعه را بررسی کردیم و از همه جایک شناخت کلی بدست آوردیم و با اطمینان به این نتیجه رسیدیم که اینهمه احتیاط و اینهمه ناباوری و اینهمه شک و تردید و این اعتماد لرزان و بی بنیان به مقامات محلی، یک پندار دور از واقع و یک

معامله، ۹۵۰ هزار تومان ضرر روزیان است. البته اگر تعداد کشاورزان گندم‌کار در پانصد هزار نفر در نظر بگیریم در اینصورت ضرر روزیان هر کشاورز سالانه مبلغ ۱۵۰ هزار تومان محاسبه خواهد شد. بنظر میرسد ضرر روزیان استمرار سوبسید بصورت کنونی، برای تک تک ۱۰، ۱۲ میلیون خانواده‌های ایرانی کمتر از این رقم نیست. از این روست، که لنووامحاء، ماجرای سوبسید، تا این حد مورد تأکید می‌باشد و استمرار این کار از موانع اساسی توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور بشمار می‌رود.

دولت بخوبی میداند که ادامه و استمرار سوبسید، در وهله اول به ضرر روزیان همان قشر محرومی است که دولت مدعی حمایت از آنان است. دولت میگوید که درصد اجرای عدالت اجتماعی است. ولی اجرا و استمرار خط مشی سوبسید همگانی، معایر عدالت اجتماعی است. با اطمینان می‌توان گفت و با محاسبه می‌توان نشان داد که بازنده اصلی این ماجرا، همان کسانی هستند که بنام آنان و بخاطر آنان سوبسید توجیه می‌شود. ادامه سوبسید به افزایش بیشتر فاصله طبقاتی می‌انجامد و فقرا را فقیرتر و اغنیاء را غنی‌تر می‌کند.

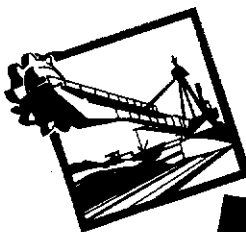
می‌آورند به نظر ما هرگونه سوبسید عمومی، که اینک یارانه گفته می‌شود، غیرمنطقی و خلاف مصالح عامه است، حتی یارانه عمومی نان، آب، دارو، بنزین، قند، روغن و هرگونه سوبسید عمومی و همگانی دیگر، سزاوار است که هز نوع یارانه در اسرع وقت بصورت نقدی، نه کوپنی، آنهم فقط برای مدت محدود و مشخصی و آنهم برای سالمندان بی‌پناه، بچه‌های بی‌سرپرست و یا افراد معلول و بیمار و برای کسانی که قادر به تأمین زندگی خود نیستند، تعلق گیرد. واقعیت پنهان در مورد سوبسید همگانی آنست که مردم بصورت عموم متوجه این نکته نیستند که اعطای سوبسیدهای همگانی برای دولت قابل ادامه نیست. ضرورت حتمی دارد که این موضوع برای مردم تشریح گردد و مردم بدانند که دولت کلیه مخارج و هزینه‌های خرد و کلان خود را از کیسه عمومی و از خزانه ملت خرج می‌کند و اگر خزانه ملت خالی باشد، بحساب مردم وام میگیرد و آنان را بدهکار و مقروض می‌کند. وامی که باید پس داده شود و قرضی که بایستی تاوان آن را ما و فرزندان ما پس بدهیم مردم باید بدانند برای دولت دستی از غیب کمک نمی‌کند و نعمات زندگی از غیب برای آنان فراهم نمی‌شود. بایستی این واقعیت را برای مردم روشن کرد که دولت با یکدست از مردم مالیات می‌گیرد و ثروت‌های ملی را می‌فروشد و با دست دیگر پول حاصل از فروش ثروت‌های ملی و مالیات دریافتی را برای آنان خرج میکند و راه دیگری هم غیر از این وجود ندارد. مردم باید بدانند که آنان در مقابل دریافت سوبسید، از حق و حقوق مسلم خود، که رقم آن خیلی بیشتر از سوبسیدهای دریافتی است، صرف‌نظر می‌کنند. بعنوان مثال دولت از خارج گندم می‌خرد و اگر قیمت هر تن گندم وارداتی دویست دلار باشد، به ازاء هر کیلو گندم شصت تومان (بر اساس نرخ سیصد تومان برای هر دلار) به کشاورز کاتادایی یا امریکایی یا استرالیایی پرداخت میکند. ولی گندم تولیدی کشاورز ایرانی را از قرار کیلویی ۳۵ یا ۴۰ تومان خریداری میکند. واقعیت اینست که دولت به اتباع خود می‌تواند تحمیل کند ولی نمی‌تواند گندم وارداتی را به همان نرخ داخلی خریداری کند. بنابراین اگر دولت از یکصد هزار کشاورز ایرانی رویهم رفته پنج میلیون تن گندم خریداری کند و هر کیلو گندم را بیست تومان ارزانتر از گندم وارداتی خریداری نماید در اینصورت به هریک از یکصد هزار کشاورز گندم کار داخلی به‌طور متوسط یک میلیون تومان کمتر میدهد و در مقابل به‌صرفه‌ای ایرانی سالانه حدود ده هزار تومان بصورت سوبسید کمک جنسی می‌کند. اگر هر کشاورز ایرانی بطور مثال پنج سرعائله داشته باشد، محاسبه نفع وزیران کشاورز گندم کار، از این



#### ۴- استان: محدودیت و مسئولیت

بایستی رویه‌ای پیدا کرد که مسئولین استانها، شهرستانها، بخش‌ها، روستاها، اینهمه متوقع نباشند و همه چیز را از دولت نخواهند. اگر مسئولین یک شهرستان کوچک، قادر به حل مسایل شهر خود نباشند و برای بهبود امور محلی زحمت نکشند و تلاش نکنند و خود را مسئول ندانند، چگونه می‌توان از دولت مرکزی پایتخت نشین

برداشت غیرمنصفانه است. دولت باید از روی نیاز، و برای ارتقاء مملکت، به اختیارات و توانایی‌های استان بیافزاید و بمقامات استان بال و پر دهد تا در چارچوب قوانین دولت مرکزی، هرطور که صلاح میدانند برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی استان را، اولویت‌بندی و از طریق مشارکت مردم به مرحله عمل اجرا درآورند. باورکردنی نیست که مقامات استان در تمامی کارهای تصمیم‌گیری



منافع خود، نهایت درجه سعی، برای موفقیت کارهای اجرایی و اداره بهتر امور بعمل خواهند آورد.

- شهامت اجرای کارهای عمرانی و قبول ریسک فعالیت‌های اقتصادی، که از عوامل بزرگ توسعه اقتصادی است، به سرعت جای خود را در جامعه باز خواهد کرد.

- چه بسا تعداد زیادی از کارمندان حقوق بگیر فعلی دولتی، از محل مالیات فعالیت‌های اقتصادی خود، به بودجه عمومی کمک کنند.

- بیکاری پنهان، که از مفاسد جوامع عقب مانده است، جای خود را به اشتغال زایا و مولد خواهد داد، زیرا در سیستم‌های خصوصی، آدم کم کار و تنبل جایی ندارد.

- مهار تورم، قبل از همه بیکمک قشرهای کم درآمد می‌آید و امید به آینده را در دلها زنده می‌کند.

- کاهش حجم کارهای عمرانی دولت، نه تنها توان کاری دولت را در زمینه‌های اساسی بالا می‌برد، بلکه دولت حجیم و همه کاره را بدولت کارا و کم هزینه تبدیل می‌کند.

- از عوامل محدود تولید استفاده بهینه می‌شود و منابع ثروت ملی، مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد، زیرا وقتی خود مردم کارهای اجرائی را بعهده بگیرند، برای حفظ منافع خود، از اتلاف عوامل تولید جلوگیری خواهند کرد، چون هیچ کس به خود خیانت نمی‌کند.

- یکی از مشکلات دستگاه دولت، حجم بیش از اندازه آن است. با اجرای این رویه، تعداد کارکنان دولت بتدریج روبه



کاهش خواهد گذارد. ویکی از اهداف برنامه توسعه اقتصادی به مرحله عمل درخواهد آمد.

- مسئولیت اداره امور تولیدی و خدماتی کلیه فعالیت‌های اقتصادی، بعهده مردم محول خواهد شد و مردم برای حفظ

و تسببات مهم، از مقامات مرکزی کسب تکلیف کنند! درحالی‌که ممکن است در اغلب موارد، مقامات مرکزی، با اندازه مسئولین محلی، نه در جریان امور باشند و نه از قضیه درک درستی داشته باشند و نه همانند مسئولین محلی نگران صحت و سقم تصمیم خود باشند. مقامات محلی بسایستی اختیارات و مسئولیت بالائی را در اداره حوزه مسئولیت خود داشته باشند و قبلاً از اینکه در مقابل مقامات مرکزی احساس مسئولیت کنند، در مقابل مردم حوزه مسئولیت خود جوابگو و مسئول باشند. مسئولین محلی، بسایستی، علاوه بر قوانین مرکزی، در مقابل قوانین و مقررات محلی هم، احساس مسئولیت کنند و از آنها تبعیت نمایند و با اجرای دقیق قوانین و مقررات محلی (که فعلاً غایب است) نه فقط رشد و شکوفایی استان را فراهم سازند، بلکه از هرگونه تعدی و تجاوز به حق و حقوق مردم محلی، جلوگیری کنند. اگر مسئولین استان، عملاً فاقد حق اعطای بعضی از اختیارات و تشویق‌ها، برای سرمایه گذاری و ایجاد رونق اقتصادی اند، اگر مردم محلی، هیچگونه مالیاتی برای توسعه و رشد اقتصادی - اجتماعی محل زندگی خود نمی‌دهند، اگر هیچگونه قوانین و مقررات مدون محلی برای اداره استان وجود ندارد و اگر هیچگونه حق و حقوقی هم، برای تدوین قوانین و مقررات محلی، به استان داده نشده است، پس چگونه می‌توان از مسئولین استان برای برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی استان نظر خواهی کرد؟

## آمادگی اتاق

- در صورت تأیید و تصویب و گذاری اجرای طرح‌های عمرانی برنامه اقتصادی - اجتماعی پنجساله دوم بمردم، اینجانب به عنوان نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران - شعبه تبریز علاقه مندی و آمادگی اتاق را برای کمک به اجرای طرح‌های اقتصادی برنامه پنجساله دوم اعلام میدارم و اطمینان میدهم که قبول این پیشنهاد و پذیرش این نگرش از هر نظر به نفع امروز و فردای این ملت و این مملکت است.

## امتیازات روش پیشنهادی

- حجم کارهای عمرانی و برنامه‌های اقتصادی دولت بشدت کاهش می‌یابد.  
- به همان نسبت فشار مالی دولت کمتر می‌شود.  
- منابع محدود دولت صرف اولویت‌های اساسی و مسایل حیاتی جامعه می‌گردد.  
- از افزایش نقدینگی و در نتیجه افزایش تورم جلوگیری می‌کند.

**پذیرش آگهی برای:**

**اتاق بازرگانی**

نامۀ

**فصلنامۀ**

**IRAN COMMERCE**

**اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران**

۸۳۸۳۳۳  
۸۳۸۳۳۷  
۸۳۸۳۲۷